
از قبیلۀ باران

زندگی‌نامهٔ داستانی شیخ مرتضی زاهد

نوشته: خسرو آقاییاری





سوره مهر
دانشگاه تهران
مرکز آفرینشهای ادبی
مفاخر ملی - مذهبی / ۲۲

از قبیله باران زندگی نامه داستانی شیخ مرتضی زاهد

نویسنده: خسرو آقایی

لیتوگرافی: سوره

چاپ و صحافی: چاپ سوره

چاپ اول: ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹ - ۰۲۳ - ۵۰۶ - ۹۶۴

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

آقایی، خسرو، ۱۳۳۷ -

از قبیله باران: زندگی نامه داستانی شیخ مرتضی زاهد / نوشته خسرو آقایی.
- تهران: سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۴.

۱۳۲ ص

ISBN: 964 - 506 - 024 - 9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فارسی - قرن ۱۴. ۲. زاهد، مرتضی، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۱ -
سرگشتنامه. الف. شرکت انتشارات سوره مهر. ب. عنوان. ج. عنوان:
زندگی نامه داستانی شیخ مرتضی زاهد.

۴ الف ۴۳ ق / ۱ PIRY۹۲۹ الف ۱۶۵۹ ۶۲ / ۳۱ ۸

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۸۳ - ۴۲۴۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچه جمشید جم، شماره ۷۲.

صندوق پستی: ۱۱۴۲ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۲۸ • نمابر: ۶۶۳۶۹۹۳۷

تلفن مرکز یخش: ۵ - ۶۶۴۶۰۹۹۲

www.IRICAP.com

فهرست

۹	جانِ شیفته
۱۳	مقام خوبان
۳۵	خون من به گردن چشم
۴۵	حال خونین دلان
۵۱	وقتی که سیب نقره‌ای ماه می‌رسد
۵۷	محرم راز
۶۱	چراغ روشن
۷۷	دریادلی بجوی!
۹۱	تنگ بلورین
۱۰۱	فال، حیرت آینه
۱۱۵	عنقای قاف

اشاره:

شیخ مرتضی زاهد در سال ۱۲۴۷ هجری شمسی در تهران - محله حمام گلشن - چشم به جهان گشود. پدرش آخوند ملا آقا بزرگ از روحانیون و واعظان و روضه‌خوان‌های توانا و بلندآوازه تهران بود تا جایی که به او لقب «مجدالذاکرین» داده بودند.

شیخ مرتضی زاهد ابتدا درسهای مقدماتی را نزد پدرش فراگرفت و سپس به صورت رسمی در مدرسه مروی - یکی از قدیمی‌ترین مدارس تهران - مشغول فراگرفتن دروس حوزوی شد. او درس‌های حوزه را تا مرحله سطح در مدرسه مروی در نزد استادانی مثل مرحوم آقا میرزا مسیح طالقانی فراگرفت و پس از آن از محضر استادانی مثل آیت‌الله آقای حاج سید عبدالکریم لاهیجی و شهید مجاهد آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری استفاده کرد.

در مورد آقا شیخ مرتضی زاهد و سطح دانش و فضل او اقوال مختلف است. از طرفی خود او شاید از سرِ افتادگی و فروتنی خود را واعظ و روضه‌خوانی ساده معرفی می‌کند. این نوع فروتنی‌های او و اینکه بیشتر به امر وعظ و روضه‌خوانی می‌پرداخت، باعث شده است تا بعضی‌ها درباره او اینگونه قضاوت کنند که از رسیدن به مدارج بالای علمی، بازمانده و خیلی درس نخوانده است. اما همین که او پیش مدرسین عالی مقامی مثل آیت‌الله سید عبدالکریم لاهیجی و شیخ فضل‌الله نوری درس خوانده

است، گویای مراتب فضل و دانش اوست.

اما آنچه که دربارهٔ شیخ مرتضی زاهد اهمیت دارد نه پایه و جایگاه علمی و فقهانی، بلکه جدّ و جهد او در تهذیب نفس و کسب ملکات اخلاقی و روحانی و توسلات به پیشگاه حضرات معصومین است که از او شخصیتی مثال زدنی آفریده است. او در اثر ریاضت‌های شرعی و تهذیب نفس به جایگاهی رسیده بود که می‌توانست الگوی اخلاقی و عملی برای عالم و عامی باشد؛ به حدّی که عالمانی بزرگ و صاحب فضل از اینکه شاگرد او باشند خرسند بودند و به خود می‌بالیدند.

به هر حال آقا شیخ مرتضی زاهد، پس از مدتی تحصیل علوم دینی به این نتیجه رسیده بود که باید همانند پدرش به تعلیم و تربیت مردم کوچه و بازار اهتمام ورزد و وعظ و روضه‌خوانی و تشکیل مجالس اهل بیت علیهم‌السلام را بهترین راه برای وصول به این مقصود تشخیص داده بود. او برای این منظور بیشترین ارتباط و نشست و برخاست را با مردم کوچه و بازار داشت و وقت و زندگی خود را وقف آنها کرده بود.

سالها در یکی از شبستانهای مسجد جامع تهران به اقامهٔ نماز جماعت می‌پرداخت. او با کسب اجازه از امام جماعت‌های شبستانهای مسجد جامع بازار تهران، همیشه یکی دو ساعت بعد از اذان ظهر به اقامهٔ جماعت می‌پرداخت تا هر کسی که نتوانسته است در دیگر نمازهای جماعت حاضر شود، بتواند نمازش را به جماعت بخواند.

بالاخره در یکی از روزهای خرداد ماه سال ۱۳۳۱ شیخ مرتضی زاهد دارفانی را وداع گفت و در جمع مردم قدرشناس تهران تشیع شد و با اتفاق ساده، اما ناباورانه که شرح آن در کتاب آمده است، جنازهٔ مطهرش به کربلای معلّا انتقال یافت و در جوار مولایش در خانهٔ ابدی آرامید.